

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - ۲۴ مارچ ۲۰۱۱

استاد خسرو فرشیدورد

یک سال پس از خاموشی

بتاریخ ۲۶ فبروری پارسال - ۲۰۱۰ - از درگذشت استاد زبردست ادبیات فارسی و دری، "داکتر میر خسرو فرشیدورد" آگاه گردیده و بلافاصله مقاله « ضایعه بزرگ علمی - درگذشت داکتر خسرو فرشیدورد » را نوشتم که در صفحه همان روز پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" منتشر گردید. استاد خسرو فرشیدورد که بسال ۱۳۰۸ در شهر ملایر ایران دنیا آمده بود، بتاریخ ۲۹ دلو ۱۳۸۸ در تهران پدرود حیات گفت.

شخص من بحیث یکی از هزاران خوشه چین خرمن دانش آن استاد و الامقام مگر بر خود فرض میدانستم که در باره آن عالیجناب و آثار گرانبار علمی او نکاتی را بیرون بدهم. بر همین نمط بود، که به تاریخ هشتم مارچ ۲۰۱۰ مقاله نسبتاً مفصلی را که معنون بود به « استاد "فرشیدورد" رهسپار دیار خاموشان شد - شخصیت علمی و خدمات استاد» در پیرامون کارنامه شاهگان علمی استاد نگاشته و در صفحه روز بعد پورتال اشاعه دادم. از آن زمان تاکنون بیشتر از یک سال میگذرد، ولی یاد استاد هرگز از خاطرم زوده نمیشود. چون از آثار جاودان وی همیشه بهره میگیرم و عطش خود را خاموش میسازم. افسوسم مگر درینست که استاد با خصوصیات و شاخصهای نحوه "زبان دری افغانستان" آشنائی لازم بهم نرسانده بود، ورنه آثارش "همه جانبه تر" و "گرانبار تر" میگردید.

از خصوصیات دانشمندان ادبیات فارسی ایران و کسانی که در عرصه زبان فارسی کار علمی میکنند، اینست که حتی نیم نگاهی هم بر "دری افغانستان" نمی افکنند و هرچه مینویسند، فقط "فارسی ایران" را زیر نظر دارند و همان مدار اعتبار ایشان است؛ اگر دستورنویس اند و یا فرهنگنویس و یا کسی که تذکره شعرای فارسی را مینگارد. و این بزرگترین اشتباه دانشمندان و استادان ادبیات فارسی ایران است. مشخصاً در مورد استاد فرشیدورد باید گفت: استاد بر دستور زبان بصورت کل و دستور زبانهای فرانسوی و عربی و انگلیسی تسلط کامل داشته و در زمینه دستور زبان فارسی تدقیق و مطالعاتی بس ولوعانه و وسیع داشته و دستورهائی را که در افغانستان تدوین شده اند هم زیر نظر داشته است. وی بدین نظر است، که دستورنویس باید کتب دستور زبان را در هر کجائی که نوشته شده اند، در نظر داشته باشد. بر همین نمط استاد فرشیدورد در صفحه ۳۹۵ "گفتارهای در باره دستور زبان فارسی" لیست آثاری را می آورد، که در آن دو اثر استادان نامدار ادبیات پوهنتون کابل نیز مندرج اند.

- دستور زبان دری، اثر "پوهاند محمد رحیم الهام"، چاپ کابل، عقرب ۱۳۴۹
- دستور زبان معاصر دری، اثر مرحوم "پوهاند محمد نسیم نگهت سعیدی"، کابل، انتشارت پوهنخی ادبیات و علوم بشری.

با این حال منظر استاد فرشیدورد از زبان دری افغانستان و ممیزاتش، که در هیچ صورت در مطابقت با فارسی ایران نمیباشد، خیلی محدود و غیر عمیق است. بلی؛

با گذر دقیق بر آثار استاد فرشیدورد، میبینیم، که از نحوه و خصوصیات دری افغانستان - و بالاخص از کلمات و ترکیبات خاص و منحصر بفری دری وطن ما که ممثل دری قرون قدیمه و زمانه های فردوسی و بیهقی و ناصر

خسرو بلخی و سنائی و مولوی و ... میباشد - آگاهی نداشته است. و اینست که دید استاد وسعتی برابر به قلمرو زبان فارسی و دری پیدا کرده نمیتواند، ولو که در تدوین دستور زبان فارسی، بر آثار قدمای جلیل القدر ما عنایتی کافی هم داشته است.

وقتی با آقای عباس معروفی*، مالک "کتابفروشی صادق هدایت" در برلین، در مورد استاد مرحوم گرم صحبت بودیم. آقای عباس معروفی که خود از شاگردان داکتر فرشیدورد در "پوهنتون تهران" بود، استاد را "بد اخلاق" خواند. البته اصطلاح "بد اخلاق" در دری افغانستان مفهومی قبیح را میرساند، در حالی که در فارسی ایران از آن معنی "زشت زبان" و کسی را میگیرند، که با "تندی با مردم برخورد میکند". ترکیب "بد اخلاق" یکی از هزاران کلمه ایست، که در فارسی ایران و دری افغانستان مفاهیم کاملاً متفاوت را میرسانند و ایرانی که از ممیزات دری افغانستان بی خبر است، نمیتواند با استعمال لغتی مفهوم فارسی آن را برای دری زبان ما، تلقین نماید. من مگر مدلول گفته آن آقای ایرانی را درک کردم و دانستم، که وی با استعمال کلمه "بد اخلاق" برای استاد بزرگوارش، هرگز هدف سوئی نداشته است. این نمونه کوچکی از یک مجموعه کلیست و تا کسی از وجوه تمایز و تفارق فارسی ایران با دری افغانستان مطلع نباشد، نمیتواند به مفهوم مد نظر کلمات در دو شاخه عین زبان راه یابد.

البته این نقیصه را در مورد لغتنامه نویسان و کسانی که فرهنگ لغات فارسی مینویسند، به مراتب بیشتر احساس میکنیم. با مرور بر فرهنگهای بی شماری که در ایران در مورد لغات فارسی تدوین گردیده اند، بدین نتیجه میرسیم، که مدونان و مؤلفان این کتب بر زبان فارسی بصورت کاملاً یکجانبه نظر می افکنند. ورنه کیست نداند، که زبان دری افغانستان بحیث گنجینه لغات قدیم زبان فارسی و دری، از چه پهنا و غنایی بهره مند نیست. من همین اکنون فرهنگهای معمول چاپ ایران را در دسترس دارم، که تعداد آنها به دهها میرسد. ولی هیچ کدام عاری ازین نقیصه و کمبود نیست. برعکس با نظری گذرا مینبینم که فرهنگ بااصطلاح پیش پا افتاده ای نظیر "غیاث اللغات" - تألیف غیاث الدین رامپوری - که دو صد و چند سال پیش در هندوستان تدوین گردیده است، نظری همه جانبه بر زبان فارسی و دری در تمام قلمرو این زبان دارد.



استاد داکتر میر خسرو فرشیدورد در هنگام تدریس
در پوهنتون تهران

اگر از موضوع کمی دورتر برویم، باید بنویسم که استاد فرشیدورد در پهلوی کمالات دیگر، شعر نغز نیز میسروده است.

بحیث حسن ختام این یاد بود، غزل معروف استاد خسرو فرشیدورد را که در مدح میهنش سروده است، نقل میکنم. با وجودی که این منظومه اصلاً در مورد کشور ایران و وطن استاد سروده شده است، اما این غزل در حد همه اوطان زمینه تطبیق دارد، چون گفته اند:

« هر چا ته خپل وطن کشمیر دی»
(وطن هرکس برایش کشمیر است)

و اینک آن غزل فرید و کم مانند استاد فرشیدورد مرحوم:

این خانه قشنگ است ولی خانه من نیست
آن کشور نو آن وطن دانش و صنعت
در مشهد و یزد و قم و سمنان و لرستان
در دامن بحر خزر و ساحل گیلان
در پیکر گل‌های دلاویز شمیران
آواره ام و خسته و سرگشته و حیران
آوارگی و خائنه بدوشی چه بلا نیست
من بهر که خوانم غزل سعدی و حافظ؟
هر کس که زند طعنه به ایرانی و ایران
پاریس قشنگ است ولی نیست چو تهران
هر چند که سرسبز بود دامنه آلب
این کوه بلند است ولی نیست دماوند

این شهر عظیم است ولی شهر غریب است

این خانه قشنگ است ولی خانه من نیست

*

آقای "عباس معروفی" نویسنده و داستان‌نویس ایرانی متوطن برلین است، که با نویسنده این مضمون، خلیل الله معروفی، هیچ قرابت فامیلی و وطنی ندارد.